

حکومت اسلامی

ظهور و نشر افکار گوناگون و جدید سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی در عصر مشروطیت ایران و مسومت و مسوی آن در جهت مخالف ساختار سنتی جامعه ایران، واکنش‌های مختلفی را در میان علمای دینی و روحانیون عصر مشروطیت در جهت دفاع از سلطنت استبدادی مطلقه سلطنت مشروطه و مباحثات مشروطه مشروعه، آشکارا از تداوم و تحول بعضی از عناصر تفکر سید علی سنی، علما در رویارویی با موفقیت و شرایط جدید به وجود آمده در ایران خبر می‌داد. تداوم سنت و میراث کهن گذشته سیاسی حافظ وضع موجود و مدافع سلطنت استبدادی مطلقه راه شیوه‌های مومنانی می‌تواند در افکار و آرای سیاسی روحانیونی چون حاج شیخ ابوالحسن نجفی مرتضی و محمد حسین بن علی اکبر تبریزی بزرگ است.

مرتضی در رساله خویش به نام «دلایل بر اهلین الفریقانی فی بیان قوتین نوایخ محکمتات الشیران» که در مخالفت با مشروطیت به نگارش در آورده است، گرچه معتقد است که «سلطنت و حکومت (تغیر شرعی) در غیبت امام زمان علیه السلام (غایبه و باطنه است) پس سلطنت مستبدانه و حکومت مشروطه هر دو باطل و خلاف حق خواهد بود» (۱) اما «جواب طاعت از سلطان وقت» را از آنجایی که به دیده وی «حفظ بیضه اسلام و آسایش خلص و انتظام ممالک و اجرای احکام ملک غلام و ترویج شریعت حضرت خیرالانام منوط به وجود مسعود پادشاه است» (۲) به رسمیت می‌شناسد. مرتضی در تشریح حال ترجیح سلطنت استبدادی مطلقه بر سلطنت مشروطه چنین استدلال می‌کند که هر چند در نظام سلطنت مشروطه «هی حد نی‌ها و بی‌اعتدالی‌های استبداد» وجود ندارد و سلطنت مستبدانه نیز «کثر بلکه تمام مجاری امیر آن برخلاف شرع امور اسلام است» اما از آن‌رو که وجود سلطنت‌های مستبدانه «بسیار مزاحمتی با اسلام داشت و به عالم اسلامیت زیانی وارد نمی‌آورد» در حالی که دخالت نظام مشروطه در دین است به اسلام زیان وارد می‌کند، (۳) پس باید سلطنت استبدادی مطلقه را بر سلطنت مشروطه ترجیح داد.

در تلقی مرتضی از نسبت حکومت و مردم، هیچ گونه حقوقی برای مردم در برابر حکومت به رسمیت شناخته نمی‌شود. از دیدگاه او مردم از هیچ حقی برای مخالفت با حکومت و قیام علیه سلطان، حتی سلطان مستغمر برخوردار نیستند. منع هر گونه مخالفت مردم با حکومت و اطاعت مطلق آنان از سلطان، نتیجه و نشان دهنده اعتقاد مرتضی به عدم دخالت و نظارت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و عملکرد حکومت است. تلاش مرتضی در منع کامل توده مردم از هر گونه حق قیام علیه سلطان و حاکم مستغمر موجب می‌شود تا اسلامی که وی به حفظ و اجرای آن دلبستگی نشان می‌دهد هر گونه پیوند خویش با آن آیه‌ای از قرآن را که به لزوم استقرار عدالت اجتماعی و مبارزه با مستغمران دلالیت ندارد بگساید و عملاً و خواه ناخواه در خدمت به استبداد و مستغمر قیام‌های مردمی و نادیده گرفتن مطالبات سیاسی و اجتماعی آنان به کار گرفته شود.

اینکه مرتضی در تناقض با آیهات قرآن و احادیث و روایات معتبر نبوی و ائمه (ع) در بیان لزوم مبارزه با مستغمران، قیام علیه سلطان مستغمر را مردود اعلام کرده و با تکیه بر روایاتی منسوب به امام صادق (ع) از قول پیامبر (ص) چنین می‌آورد که هر گاه پادشاه عادل است رعیت باید شکرگزاری کند و هر گاه سلطان مستغمر است رعیت باید صبر پیشه کند تا امر

خداوند فرارسد (۴)، آشکار نشان می‌دهد که در اندیشه سیاسی مرتضی، سلطان تنها در برابر خداوند مسئول شمرده می‌شود و لاجرم با سلب مسئولیت سلطان در برابر مردم و پاسخگو نبودن به ایشان، توده مردم از هر گونه حقوق متقابل سیاسی در برابر سلطان محروم شده، از خروج و قیام در راه استقرار عدالت اجتماعی و علیه سلطان و حاکم مستغمر منع می‌شوند.

تداوم و همبندی اندیشه مرتضی در دفاع از سلطنت استبدادی مطلقه را می‌توان در آراء و افکار سیاسی محمد حسین بن علی اکبر تبریزی، یکی دیگر از علمای دینی عصر مشروطیت جستجو کرد. تبریزی در رساله «کشف المراد من المذهب مشروطه و الاستبداد» به رغم فلسفه انگشت‌نویسی و باطل دانستن هر دو نوع از سلطنت مستبدانه یا معموله معروفه و سلطنت مشروطه، چون معتقد است که «مفاسد مشروطه و لطامات به شرع شریف به مراتب بر شر است و معموله معروفه که از او به استبداد تمیز می‌شود» (۵) در ترجیح سلطنت استبدادی مطلقه بر سلطنت مشروطه درنگ نکرده است. از نظر نگاه تبریزی، هر چند استبدادگران «افعال ناشایست و کردار قبیح داشتند» لیک در اقوال و گفتار و مفاید با سایر مسلمین موافقت داشته‌اند، لذا تنها دچار معصیت و فسق هستند در حالی که مشروطه خواهان را «شکار کردن ضروریات شرع» نه تنها به معصیت و فسق، بلکه به کفر دچار آمده‌اند (۶). پس به حکم عقل و شرع به همه مسلمین واجب و لازم است «از میان دو نوع حکومت، سلطنت استبدادی مطلقه را مقدم دارند و به طاعت و پاری او بپردازند» (۷).

تبریزی در توضیح دلایل تبیین مشروطه با شریعت، دو استدلال را به کار می‌گیرد: نخست آنکه اگر مقصود کیلان، اجرای احکام شریعت است پس جمع شریعت و مشورت کردن و قانون نوشتن و اکثریت آراء و املاک قرار دادن خلاف شرع است زیرا اجرای شریعت محتاج به مشورت نیست و دیگر آنکه اگر مقصود کیلان مشروطه خواهان آن است که با انکاب اکثریت آراء قانون بنویسند و سپس آن را به اجرا در آورند آن نیز خلاف شرع است زیرا شور و اکثریت آراء از ادله احکام شرعی شمرده نشده و اجتماع علما حاجت است» (۸).

بنامه‌اندیشی خواهد بود اگر تاکید تبریزی بر حکومت مشروطه را به سواد تمایل وی به تشکیل حکومت اسلامی به کار گرفته زیرا خصوصیات حکومت مشروطه مورد نظر تبریزی، آن گونه که خود وی ارائه می‌دهد (۹)، از محدوده استخراج احکام شرعی در باره معاملات، عبادات و حدوده شرعی از سوی یک نفر مجتهد یا جمعی از عدول اهل علم به رسمیت شناختن انحصار قوه اجراییه برای سلطان و کارگزاران دولت و تاکید بر جای نبودن هیچ گونه مخالفت با سلطان و نیز تشکیل مجلسی مرکب از خانواده‌های بزرگ متدین، سیاسی دان و بی‌غرض برای نظارت بر اعمال اهل مملکت اعم از اولیای دولت و امانای ملت و قاطبه رعیت در تطابق آن اعمال با عدل و شرع فراتر نمی‌رود و انگهی هر چند تبریزی بر تشکیل مجلسی مرکب از خبرگان و نمایان ملت با هدف نظارت بر عملکرد دولت و ملت در جهت تطابق آن اعمال با عدل و شرع تاکید می‌رود، اما چون هر گونه مخالفت با سلطان را منع می‌کند تاگزیر طرح نظارت پیشنهادی او بر اعمال سلطان و کارگزاران او در جهت تطبیق با عدل و شرع، فاقد توانایی و پشتوانه اجرایی و عملی بوده و به بن‌بست تناقض لزوم نظارت بر حکومت از یکسو و لزوم عدم مخالفت با حکومت از سوی دیگر پا نهاده است. بدین سان می‌توان گفت که حکومت مشروطه پیشنهادی تبریزی به سلطنت استبدادی مطلقه نزدیکتر و شبیه‌تر



شروط

رواجاتان مشروطیت و نظریه حکومت

است تا به حکومت اسلامی

هنگامی تداوم سنت و میراث کهن تفکر سیاسی حافظ وضع موجود در دیدگاه روحانیونی چون مرتضی و تبریزی و برخی دیگر، به سود توجیه سلطنت استبداد مطلقه قاجاریه، جنبه‌هایی از عناصر تفکر سیاسی کهن در میان گروه‌هایی از علما و روحانیان عصر مشروطیت به درجات مختلف و تفاوت‌هایی چند، دستخوش تحول و نوگرایی گردید. تحول اندیشه سیاسی علمای نوگرا درباره حکومت، از آگاهی و تمایل نسبی آنان به ضرورت بعضی از تغییرات و اصلاحات سیاسی - اجتماعی و مبارزه با استبداد مطلقه داخلی و نفوذ سلطه چوپانان قدرت‌های خارجی در ایران ریشه می‌گرفت. مهم‌ترین جنبه تحول اندیشه سیاسی علما و روحانیون نوگرای عصر مشروطیت، چهره خود را در تالیف جدید از مفهوم سنتی غصب حکومت در زمان غیبت معصوم (ع) نشان داد. در تالیف جدید علمای نوگرا از مفهوم غصب حکومت در زمان غیبت هر چند اعتقاد سنتی تشیع در غاصب انگاشتن حکومت‌ها در زمان غیبت معصوم (ع) همچنان محفوظ باقی مانده بود، اما به پیروی از نوعی تفسیر نوگرای ضرورت حمایت از حکومتی که با ظلم و غصب کمتری همراه باشد، مورد پذیرش

قرار گرفت

محمد امین حاکم غروی محلاقی، یکی از مجتهدان بلند پایه شعبی عصر مشروطیت ایران، در رساله «الذم المبروطه فی وجوب المشروطه» که در دفاع از مشروطیت نوشته است، با تقسیم حکومت‌ها به سه نوع حکومت معصومان (ع)، سلطنت مطلقه مستبدانه و سلطنت مشروطه محدوده در بیان معنی مشروطیت نوشته است. حد «اشتراک در سلطنت عبارت است از تحدید نمودن افعال پادشاهی و قیود کردن اطلاق امارات آن را به حدود و قیودی که به حسب نظر عقلا و سیاست‌پویان مملکت به حال نوع مفید باشد و موجب قوام مملکت باعث از دیاد قوه و شوکت دولت و ملت گردد» (۱۰) و هم‌رازه سلطنت مطلقه مستبدانه و ملخص معنای آن استبدادی اراده شخصیه ماکوله است بر تمام امور مملکت نوعی باشد یا شخصی به هر نحو که شوکت و یا غضب او اقتضا مضر، چنانکه سیره عملیه کثیری از پادشاهان جور در مملکت ایران بر این نحو جاری بوده» (۱۱) است.

از دیدگاه محلاقی، گرچه بهترین نوع حکومت، همانا حکومت معصوم (ع) است و هر دو نوع حکومت سلطنت استبدادی مطلقه و سلطنت

را در مواردی قابل حل و در مواردی نیز تحت تأثیر فشار نیرومند موج مشروطه طلبی در ایران و گروه های مختلف سیاسی و اجتماعی مشروطه طلب در خور تسامح و اغماض یافتند. به پشتیبانی خود از مشروطیت و مجلس ادامه دادند اما در برابر علمای مشروطه طلب علمای روحانیون مشروطه مشروعه طلب به رهبری شیخ فضل الله از آن رو که کز کرد مشروطیت و مجلس شورای ملی ایجاد شده در ایران را معیار بالذکر و معیار شریعت دینی و اختیارات روحانی تلقی کرده و هرج مزاشی میان آن دو را ممکن نیافتند از ادامه همراهی با مشروطیت باز ایستاده و به مخالفت با آن برخاستند.

در اندیشه سیاسی شیخ فضل الله نه تنها کوششی برای حفظ قدرت مطلقه استبداد قاجاریه به کار گرفته است بلکه آشکارا قدرت مطلقه شاه و ظلم و تعدی درباریان به مردم مورد انتقاد و مخالفت قرار گرفته و در همراهی با آزادیخواهان تصدیق شده است که خنثی کردن مملکت ایران از بی قانونی و نابسامانی دولت است و باید از دولت تحصیل مجلس شورای ملی کرد که تکالیف دوایر دولتی را تحسین و تصرف نماید و محدود نماید (۲۲) اما همان گونه که کسروی نیز تصریح کرده است از آنجایی که حاجی شیخ فضل الله رواج شریعت را می طلبید (۲۴) پدید می بود که در نظر وی در جامعه مسلمانان قوانین مجلس شورای ملی ضرورتا می بایست مطابق قوانین شرع باشد بر خاسته از همین دیدگاه بود که شیخ فضل الله بارها در برابر موج مخالفت آن که وی را مخالف با اساس مجلس شورای ملی معرفی می کرده تصریح و تأکید کرد تا بهایا انسانی می به هیچ وجه منکر مجلس شورای ملی نمی شتم بلکه من مدخلیت خود را در تاسیس این اساس بیش از همه کس می دانم. صریحا می گویم همه بپسوندید و به غایتین هم برسید که من آن مجلس شورای ملی را می خواهم که عموم مسلمانان آن را می خواهند به این معنی که البته عموم مسلمانان مجلسی می خواهند که اساسش بر اساسیت باشد و بر خلاف قرآن و بر خلاف شریعت محدودی (ص) و بر خلاف مذهب مقدس جعفری قانونی نگذارد من هم چنین مجلسی می خواهم (۲۵)

در اندیشه سیاسی شیخ فضل الله نیاز مردم جامعه ایران چه وضع اصول و قوانین در وظایف و عملیات دیوانی و در جهت مقابله با بی قانونی دوایر دولت (۲۶) مورد پذیرش قرار گرفته بود در نظر گاه علمای مشروطه مشروعه طلبه آگاهی به اینکه «حفظ نظام عالم محتاج به قانون است» از دیندور تمانند اما از آنجایی که به دیده آنان بهترین قوانین قانون الهی است و این قانون الهی مخصوص به عبادت نیست بلکه حکم جمیع مواد سیاسی را بر وجهی کامل و لایق داراست» با هر گونه «جعل قانون» و این تلقی که «مقتضیات عصر» تغییر دهنده بعضی مواد آن قانون الهی است یا منکمل آن است» از آن رو که «چنین اعتقاد کمال منافات را با اعتقاد به ختمیت و کمال دین او را دارد و فکر خاتمیت به حکم قانون الهی کفر است» مخالفت شد (۲۷)

در مقابل اندیشه سیاسی و مواضع علمی دینی مشروطه مشروعه طلب که میان بعضی از اصول مشروطیت و شیوه عملکرد مجلس شورای ملی با اسلام تها می دیدند علمای دینی مشروطه طلب هر یک به شیوه ویژه خود در دفاع از مشروطیت و مطابق دانستن آن با قوانین اسلام به تلاش برخاستند. تشریحی در دفاع از شیوه مجلس در وضع قوانین با تقسیم امور به دو دسته معادیه و معاشیه چنین نوشتند: «در لوازم معادیه باید عملا تعجیل تلبیه را کرد و اما در امور معاشیه و رسومات معموله یک قانون کلی وضع فرموده و جزئیات را در تحت کلیات

اوامر مقدمه مندرج نموده و تنظیم و ترتیب جزئیات را بتیوض به عقل عقلا و علم علما و اهل خیرت و سیاست کرد» (۲۸) تشریحی معتقد است در زمان حضور معصوم برای همان شخص معصوم کفایت است اما در زمان غیبت چون امور معاشیه از توانایی مسئول امور معادیه خارج است «پس قیام به امور معاشیه باید به اشتراک نوع و مشورت فضلا و اهل خیرت باشد» و سپس نتیجه می گیرد «پس قانون اساسی مربوط به اوامر معادیه نیست و مشروعت آن برای تنظیم معاش است» (۲۹) از دیدگاه تشریحی بر می آید که وی به نوعی تفکیک وظایف و اختیارات روحانی و سیاسی قائل بوده است.

از دیدگاه حاج آقا روح الله نجفی اصفهانی مؤلف رساله «هفتم و مسافر» اساسا نظام مشروطیت همان اسلام است و مشروطیت موجب رفع تمام نقص و استحقاک اسلام و قوام ملت و ترقی مملکت اسلامی می شود (۳۰) به اعتقاد او «مشروطه عین اسلام و اسلام همان مشروطه است و مشروطه خواهی اسلام خواهی است» (۳۱) از حاج محمد نورهان نقوی اخروی در مقاله سزاول و جواب در نواید مجلسی ملی نیز چنین آمده است: «امروز در حقیقت مطالبه مجلس شورای ملی هر چند مشتمل بر فواید لاجمی است ولی بزرگ تر فوایدی که باید جالب قلوب متدینین باشد. حفظ اساس مذهب است» (۳۲)

ملا جبار رسول کلستانی یکی دیگر از علمای مشروطه خواهی است که با پافشاری بر تطبیق مشروطیت و اسلام نوشت: «گر وقت و هست باشد برای هر یک از اصول و قواعد مشروطیت و فروع آن یک کتاب مفصلی می توان نوشت که جز از قواعد شریعت ما بر نداشت معتقد» (۳۳) عبدالله خاکی نیز بر این باور بود که اگر «خوب بدقت ملاحظه کنید معلوم و متکشف می شود که اصول قانون اروپاییان مأخوذ از قرآن مجید و از کلمات اتمه و از کتب فقهاء امامیه است» (۳۴)

استفاده به تطبیق مشروطیت با اسلام را می توان در آرا و افکار دیگر علمای دینی مشروطه طلب و از آن جمله سید هینا الحسین لاری (۳۵) به روشنی باز جست. همچنانکه تأکید بر عدم مفایرت وضع قانون در مجلس شورای ملی با قوانین اسلام در افکار سیاسی محلاتی نیز به چشم می خورد. وی با تکیه بر محدود دانستن وظایف و اختیارات مجلس شورای ملی به امور سیاسی و تأکید بر عدم مداخله مجلس در امور شرعی هر گونه متأیثرت قانونگذاری در مجلس شورای ملی با اسلام را آشکار کرده و چنین نوشت: «کار و کاری بیچاره تکلم کردن در احکام دینی نیست و غرض آن نه تغییر دادن دین است و نه تمیز دادن و تعیین حکم شرعی نمودن» نه از احکام عبادات سخن رانند و نه در مسائل معاملات تکلم کنند و نه قضا و شهادت و نه حدود و دیات و نه سایر ایوای فقهیه را مورد بحث خود قرار دهند فقط محلل گفت و گوی آنها اسورات علمه و میاسات کلیه مملکت است» (۳۶)

از دیدگاه نثرینی نیز از آنجایی که امور قضایی مانند عقود و ایقاعات «مورد به قصاص و دیات در حوزه وظایف مجتهدان قرار دارد» «خارج از وظایف متصدیان و هیأت مبروتان است» (۳۷) و از سوی دیگر نیز آرای مجلس تنها با حضور «علمای مجتهدین عدول و یسما مؤذنین از قبل مجتهدی و تصحیح و تنفیذ و موافقتشان در

آراء صادره» (۳۸) جنبه قانونیت خواهد داشت. لذا هیچگونه تهاپتی میان مشروطیت و مجلس شورای ملی با اسلام وجود ندارد. انقلاب اسلام تهریزی یکی دیگر از علمای دینی مشروطه طلب بود که معتقد بود در عصر غیبت امام معصوم (ع) شرعا باید از سلطنتی حمایت کرد که در آن فساد کمتری و وجود داشته باشد. از دیدگاه او چون در سلطنت مشروطه «و دولت مشروطه» نمایندگان ملت با تاسیس دارالشورا و وضع قوانین در امور عرفی و سلطنت را از خود سوری و تجویز به حقوق مردم مانع می شوند چنین سلطنتی می تواند به حفظ «بیضه اسلام» بکوشد. بر این باور بود که مشروطه خواهان برای حفظ بیضه اسلام و اعتدالی کلیه حقه «و برای اینکه «سلطنت اسلام یا ایران که مذهبش طریق اثنی عشری است متزلزل نشود» علاج کار را در «مشروطه شدن دولت و محدود شدن سلطنت و منع استبداد آن دیدند و به این لحاظ به تهیه و مقدمات آن که اساسش دارالشوری است مشغول شدند» (۳۹)

همان آن نوع از مشروطیتی که علمایان دینیستکی نشان داده بودند با مشروطیت و مجلس شورای ملی به وجود آمده در ایران، فاصله و شکاف عمیقی وجود داشت. بر خلاف پندار علمای مشروطه طلب نظام مشروطیت به شیوه غربی آن نه همان اسلام بود و نه آنکه از قوانین شریعت اسلامی اتخاذ شده بود. نظام مشروطیت نه به نظارت مجتهدات و مطابقت با شریعت اسلام منسب بود و نه آنکه «حفظ بیضه اسلام» را وظیفه خود می دانست. هر چند علمای مشروطه طلب در حمایت از مشروطیت تلاش می سرسختانه کردند اما خطا است اگر پنداشته شود که آنان از تلاش و حمایت های خود در راه استقرار نظام پارلمانی مشروطیت متعق یک نظام دموکراسی - به شیوه متداول آن در مغرب زمین - را در سر می پروراندند.

اگر چه «محمد مطاطیایی» به سبب بیونتهایی که از سال ها پیش از شکل گیری نهضت مشروطیت بنا محافل مختلف روشنفکری داشت و با سفرهایی که به روسیه ترکیه و بعضی از کشورهای مجوسی کرده بود پیش از بسیاری از هم سالکان خود در نهضت به آگاهی های دربار مشروطیت و اصول نوگرایی دسترس داشت اما باید از هر گونه «میانگه در آگاهی های وی در نه مشروطیت و ماهیت واقعی آن و نیز باورمندی کسانی چون دکتر حاتری که طباطبایی را «دانا به اصول مشروطه» (۴۰) معرفی کرده اند اجتناب کرد. تردیدی نیست که طباطبایی بنا به نوشته خود او «سال ها پیش از شکل گیری نهضت مشروطیت در ایران» و پس از ورود به ایران در سال ۱۳۱۴ ق به از تاسیس نظام مشروطیت و مجلس شورای ملی - که به دیده وی تا حصول شرایط مناسب برای تحقق آن به زمان نیاز بود - سخن گفته پس (۴۱) اما تعابلی و علاقه طباطبایی به استقرار نظام مشروطیت هر چند هم سابقه طولانی داشته باشد از آگاهی بسنده او به ماهیت و مبانی واقعی نظام مشروطیتی را که وی به آن دلچسپی نشان می داد اثبات نمی کند.

اینکه طباطبایی در مذاکرات روز ۱۴ شوال سال ۱۳۲۵ ق در مجلس اظهار کرده «ما از حکومت شوروی و سلطنت مشروطه حد شدت شنیده بودیم» اگر نتیجه این است که مشاهده می شود هیچ فایده نخواهیم دید» (۴۲)



مجلسی می خواهند که اساسش بر اسلامیت باشد و بر خلاف قرآن و بر خلاف شریعت محدودی می خواهند که اساسش بر اساسیت باشد و بر خلاف قرآن و بر خلاف شریعت محدودی

- ۱- آشکارا نشان می دهد که وی آگاهی بسندهای به ماهیت و خصالت های نظام مشروطیت نداشته است
- ۲- پانویشت ها: ۱- حاج شیخ ابوالحسن نجفی مرتدی ملاقل برهسین قهرانی می خانی قزاقی، نامه پنج مکاتبات قهرانی، نسخه خطی، ۱۳۳۰، ص ۵۶
- ۲- همان ص ۵۶
- ۳- همان ص ۵۶
- ۴- محمد حسین بن علی اکبر تهریزی، کشف السراء من المشروطه و الاستبداد، نسخه خطی، ۱۳۲۵، ص ۴۲
- ۵- همان ص ۲۷
- ۶- همان ص ۲۷
- ۷- همان ص ۲۷
- ۸- همان ص ۲۷
- ۹- همان ص ۲۷
- ۱۰- محمد اسماعیل غروی محلاتی، اللالی المشروطه فی جوب المشروطه، چاپ سنگی، پوه شهر مطبوعه انارچه مطبوعی، ۱۳۲۷، ص ۹
- ۱۱- همان ص ۵
- ۱۲- همان ص ۱۹
- ۱۳- محمد حسن کلانی، تنبیه الامه و تنزیه المله با مقدمه سید محمد مطاطی، چاپ سوب، تهران، ایران، ۱۳۲۴، ص ۸-۱۲
- ۱۴- همان ص ۲۶-۲۸
- ۱۵- آقا میرزا یوسف شمس الافضل خراسانی، تشریحی که کلیه جنبه های کلامی شرعی در معنی خوری و مشروطه و مجلس شورای ملی و بر وفق مشروطیت با قانون اسلامی، چاپ سنگی، دارالخلافه طهران، ۱۳۲۹، (۲ به کتاب مرتضی الحسینی البرغانی، ص ۲۲)
- ۱۶- همان ص ۴۴
- ۱۷- همان ص ۴۴
- ۱۸- همان ص ۴۴
- ۱۹- همان ص ۴۴
- ۲۰- همان ص ۴۴
- ۲۱- همان ص ۴۴
- ۲۲- همان ص ۴۴
- ۲۳- رساله «الاصول» مکتوبت و روزنامه شرح شهید فضل الله تهریزی، گرد آوری سید محمد کریم جله اول، تهران، موسسه حکمت فرهنگی، رساله ۱۳۲۹، ص ۲۶۱
- ۲۴- محمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۲۰، ص ۲۵۸
- ۲۵- در مقاله «اصول» مکتوبت سید محمد علی، ص ۲۴۵ و ۲۴۶
- ۲۶- همان، ص ۲۶۱ - و نیز در گاه سته شده به گوت و گوی شیخ فضل الله تهریزی و علمای مشروطه طلب در جریان مهاجرت کبری به شرح مفصلا در منشی با این مشخصات: ابن خراسانی، مسوول غرضی، تاریخ انقلاب مشروطیت، ۲ به خطی، کتابخانه مملکت شماره ۲۸۱۹، ص ۲۸ و ۲۹
- ۲۷- شرح فضل الله تهریزی (۲)، تذکره انقلاب و ارشاد الجلیل، نسخه خطی، تهران، ۱۳۲۶، ص ۵۱ و نیز در مقاله «اصول» مکتوبت سید محمد علی، ص ۲۴۶
- ۲۸- آقا میرزا یوسف شمس الافضل خراسانی، تشریحی که همان، ص ۱۵
- ۲۹- همان، ص ۱۷ و ۱۸
- ۳۰- حاج آقا روح الله نجفی اصفهانی، مقبوله مسافر، نسخه خطی، جله اول، ۱۳۲۷، ص ۱۶
- ۳۱- همان ص ۲۹
- ۳۲- به نقل از «هاتم محیط مانی، مفدمات مشروطیت» به کتبی شهید تهریزی و جواد جان لیل چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی، طبعی، ۱۳۲۲، ص ۱۵۱
- ۳۳- ملا جبار رسول کلستانی، رساله تصانیف، در اصول عده مشروطیت چاپ سنگی، کلان مطبوعه تریه ۱۳۲۸، ص ۴۷ و ۴۸
- ۳۴- سید محمد مطاطی، عبدالله، خاکی، در بیان بعضی سلطنت مشروطه و فواید آن، نسخه خطی، (تبریز) در رمضان ۱۳۲۷ ق (تبریز) چاپ سنگی، طهران، دارالخلافه شوال ۱۳۲۵، ص ۷ و ۸
- ۳۵- سید محمد حسین لاری، قانون در اتحاد ملت و حرمت چاپ سنگی، مطبع سپهر، معراج، سنه ۱۳۲۶ ق، ص ۲ و ۳
- ۳۶- سید محمد حسین لاری، مطبوعه سپهر، معراج، سنه ۱۳۲۵ ق، ص ۲۴
- ۳۷- محمد اسماعیل غروی محلاتی، همان، ص ۲۷
- ۳۸- همان، ص ۱۵
- ۳۹- انقلاب اسلام تهریزی، مجموعه آثار علمی شخروان انقلاب اسلام، شهید تهریزی، به کوشش صدر الله تهریزی، چاپ اول، تهران، انتشارات انجمن افر ملی، ۱۳۵۵، ص ۱۹
- ۴۰- عبدالهادی حاتری، تنبیه و مشروطیت در ایران و غرض ایران، مقدم غروی، چاپ دوپ تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۲۲، ص ۱۳۲
- ۴۱- در کتاب اسلام کافیه» ۵۰ پانصد دانشی سید محمد طباطبایی، راهنمای کتاب، سال چهاردهم، مهر و آبان ۱۳۵۰، شماره ۷، ص ۲۲۲
- ۴۲- سید محمد علی خاکی، حقیقت مشرف السلطنه، گزارش ایران، چاپخانه و مشروطیت، چاپ دوپ، تهران، نشر نقره ۱۳۲۲، ص ۱۰-۱۲